

فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر

سال پنجم، شماره سیزدهم، تابستان ۱۳۹۰

تاریخ پذیرش: ۹۰/۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۰/۲/۱۱

صص ۵۴ - ۲۹

## بررسی جامعه‌شناختی شاخص‌های کیفی توسعه انسانی کشورهای مسلمان با درآمد نفتی و غیر نفتی با تاکید بر جایگاه ایران

بهزاد حکیمی‌نیا<sup>۱</sup>، نسرین قلانی<sup>۲</sup>، سید محسن خلیفه سلطانی<sup>۳</sup>

### چکیده

توسعه در کلی‌ترین مفهوم خود به معنای بهبود کیفیت زندگی بشر است. بنابراین، انسان‌ها ثروت واقعی هر کشور را تشکیل می‌دهند. به عبارتی، مورد توجه قرار دادن انسان به عنوان یکی از زیربناهای توسعه این امکان را فراهم می‌کند تا کشورها با توجه به ارکان کلیدی شاخص توسعه انسانی (درآمد سرانه، امید به زندگی و نرخ باسوادی) در جهت ارتقای سطح کیفی کشورهایشان گام بردارند. هدف این مقاله آشکارسازی توان کیفی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران در بین کشورهای مسلمان بسته به درآمد نفتی و کشورهای مسلمان بدون درآمد نفتی است. از آنجا که درآمد سرانه با توجه به نرخ رشد جمعیت هر کشوری

hakiminya@gmail.com

۱- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان

۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، مدرس دانشگاه پیام نور کوهپایه

۳- دکترای اقتصاد، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

محاسبه می‌شود و این امر در کشورهای مسلمان، به خصوص کشورهای مسلمان بدون درآمد نفتی، به خاطر بالا بودن نرخ رشد جمعیت از درآمد سرانه، موجب نزولی شدن رشد توسعه اقتصادی آنها شده است. به عبارتی، روند شکل‌گیری قابلیت‌ها و میزان توسعه نیروی انسانی را مختل کرده است. در مطالعه حاضر با تأکید بر نقش افراد و تأمین نیازهای اساسی، درآمد سرانه از شاخص توسعه انسانی حذف شده و مرتبه ایران در ۹ ساله بین ۱۹۹۱، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۹ در بین ۵۴ کشور مسلمان آزمون و بررسی شده است. به عنوان یک نتیجه کلی، می‌توان ادعا کرد که کشورهای مسلمان وابسته به درآمد نفتی شرایط بهتری دارند و در مجموع ایران با آموزش بارزتر، نرخ سرمایه‌گذاری فیزیکی و انسانی بالاتر و توجه نقش زنان توانسته است رشد سریعتری را در شاخص‌های کیفی توسعه انسانی در طی دوره زمانی مورد بررسی تجربه کند. از سوی دیگر بر خلاف سؤال پژوهش کشورهای مسلمان نفتی در شاخص امید به زندگی نتوانسته‌اند شرایط بهتری از کشورهای مسلمان غیر نفتی کسب کنند.

**واژه‌های کلیدی:** شاخص توسعه انسانی، کشورهای مسلمان، سرمایه انسانی، نظام ارزشی، عاملیت‌ها

## مقدمه و طرح مسأله

یکی از مباحث مهم که نقش تعیین‌کننده‌ای در برنامه ریزی، انتخاب و ترسیم الگوهای توسعه اقتصادی دارد. توسعه انسانی یا HDI است. این شاخص مفهوم جدیدی است که از پیدایی و رشد آن در جهان امروز بیش از سه دهه نمی‌گذرد<sup>۱</sup>.

برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) توسعه انسانی را اینگونه تعریف می‌کند: توسعه انسانی فرایندی است که طی آن گزینه‌های انتخاب مردم گسترش می‌یابد. از نظر اصولی، این انتخاب‌ها می‌تواند بی‌نهایت باشد و در طول زمان تغییر کند؛ اما در هر سطحی از توسعه، سه محور اصلی وجود دارد که بدون تغییر باقی می‌ماند. داشتن یک زندگی طولانی همراه با تندرستی، دسترسی به اطلاعات و دانش مورد نیاز زندگی روزمره و در اختیار داشتن منابع لازم

<sup>۱</sup>- این شاخص در سال ۱۹۹۰ توسط پرفسور محبوب الحق کارشناس سازمان ملل متحد مطرح شد.

برای برخورداری از امکانات زندگی در سطح معقول (تیرتاشی، ۱۳۸۰: ۱۰۷) به عبارت دیگر خلق این شرایط برای منابع انسانی که به عنوان تمامی منابع غیرمادی در رشد اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است باید فراهم شود.

اگر چه معدودی از کشورهای مسلمان در زمینه شاخص توسعه انسانی توانسته‌اند به رتبه‌های بالادست پیدا کنند و از منظر سازمان ملل متحد، درآمد یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی کشورها محسوب می‌شود. اما زمانی ارزش محاسبه این شاخص اهمیت پیدا می‌کند که بدانیم چند درصد از این رشد منهای درآمد ناخالص ملی در بخش بهداشت و ایجاد عمر طولانی توأم با سلامتی و چند درصد در بخش تحصیلات و ایجاد توان معرفت‌اندوزی و کسب علم صرف شده است.

در کشورهای اسلامی، انسان به عنوان اشرف مخلوقات دارای ارزش و اهمیت خاصی است. به عبارتی توجه به این نیرو به عنوان منابع غیر مادی یک کشور دارای اهمیت است. همان گونه که هربرت فورت میزان توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی را با میزان توان بهره‌برداری از ثروت انسانی در ارتباط می‌داند. بر این اساس مطالعه حاضر بر آن است که میزان توسعه انسانی کشور جمهوری اسلامی ایران را در سه دوره ۹ ساله بین کشورهای مسلمان با درآمد نفتی و غیرنفتی ارزیابی کند. با توجه به این نکته که در این مقاله رشد تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه در میزان نرخ توسعه انسانی محاسبه نمی‌شود و تنها امید به زندگی، تحصیلات و شاخص فقر در این کشورها مورد بررسی قرار می‌گیرد. انتظار می‌رود به دلیل تفاوت در شرایط اقتصادی و حتی نگرش کشورهای مسلمان با درآمد نفتی و غیرنفتی سطح آموزشی و توسعه آنها متفاوت باشد.

سؤال این است که آیا برخی از کشورهای مسلمان بدون درآمد نفتی توانسته‌اند با استفاده مدبرانه از وسیله‌های موجود برای توسعه توانایی‌های اساسی انسانی به سطوح بالایی از توسعه انسانی دست یابند؟

بنابراین، با توجه به نظام ارزشی و هویتی کشورهای مسلمان و تاکید بر انسان به عنوان عاملیت در سرمایه کشورهای مسلمان به این نتیجه می‌توان رسید که در تعیین شرایط شاخص‌های توسعه انسانی کشورهای عضو سازمان ملل متحد ناهمگونی بسیاری وجود دارد. پرداختن به این موضوع از چند جهت اهمیت دارد:

همان گونه که بیان کرده‌ایم مطالعات انجام شده به بررسی شاخص توسعه انسانی در کل و یا جزء جزء پرداخته شده است. نامتوازن بودن شاخص‌ها برای کشورهای مسلمان و غیرمسلمان باعث شده است تا میزان رتبه‌های کشورهای مسلمان در سطح متوسط، پایین و یا حتی بسیار پایین قرار گیرد. بنابراین، ضروری به نظر می‌رسد که با بررسی شاخص‌های کیفی کشورهای مسلمان و ارزیابی این تفاوت‌ها و علت‌ها، به پیشی عمیق‌تر دست یابیم.

از سوی دیگر، در کشورهای مسلمان با درآمد نفتی<sup>۱</sup> که نرخ توسعه انسانی بالاتر است، به خصوص با نوسان در قیمت فروش نفت، رتبه‌هایی در سطح متوسط و بندرت بالا وجود دارد، اما اینکه سطح استاندارد دانش و امید به زندگی رتبه‌ی این کشورها را در چه سطحی قرار می‌دهد، جای سوال دارد. لذا تحلیل تفاوت موجود در بین کشورها و علل آن می‌تواند موجب دستیابی به اطلاعات در جهت برنامه ریزی برای کشورها باشد.

از آن جا که دیگر شاخص فقر به عنوان یکی دیگر از شاخص‌های توسعه محسوب می‌شود و با آن پیوند ناگستنی دارد. دستیابی به اطلاعات تفکیکی در سال‌های متفاوت، موجب دستیابی به اشکال و علل محدودیت کشورهای مسلمان و نیازهای آنهاست. همچنین در یک جمع بندی کلی می‌توان به توسعه کیفی کشورهایی که توانسته‌اند این نرخ را در سه دوره تغییر و در سطح بالاتری قرار دهند، دست پیدا کرد. بنابراین این امر می‌تواند رشد کشورهای مسلمان را با توجه به گسترش اسلام در بین ادیان و افزایش قابلیت اسلام در بین افراد بررسی کرد، بر این اساس دستیابی به نرخ رشد در ابعاد مختلف، کشورهای مسلمان ضروری به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر، دست یابی به اطلاعات و تفاوت شاخص‌های کیفی توسعه انسانی (امید به زندگی، تحصیلات و شاخص فقر) ایران در مقایسه با کشورهای نفتی و غیر نفتی می‌تواند به نحوی تاثیر بسزایی در برنامه ریزی‌ها و تدوین سیاست‌گذاری‌ها داشته باشد. و نقاط ضعف و ناکارآمدی و نیز نقاط قوت برنامه‌های گذشته را برای بالا بردن سطح توسعه انسانی مشخص کند. در واقع، بدون چنین اطلاعاتی تشخیص پیامد سیاست‌ها و برنامه‌های گذشته و حال و تبیین ضرورت و نیاز به تغییر و تحول در وضعیت کنونی غیر ممکن است. به عبارتی، توفیق در تفاوت رتبه ایران (در سه دوره ۹ ساله)، اولویت بندی در زمینه ارتقای سطح دانش با توجه به نیازمندی‌های کشورها را برای رسیدن و دستیابی به هدف اساسی توسعه و برقراری عدالت اجتماعی ضروری می‌سازد.

مطالعه حاضر سعی دارد با بررسی تفاوت در رتبه کشورها و بررسی شاخص‌های کیفی در سه دوره ۱۹۹۱، ۲۰۰۰، ۲۰۰۹ بین کشورهای مسلمان نفتی و غیر نفتی شاخص‌های امید به زندگی، سطح تحصیلات و شاخص فقر را تحلیل کند و به این پرسش‌ها پاسخ دهد:

- آیا ایران از شاخص فقر در بین کشورهای مسلمان نفتی و غیر نفتی در مرتبه پایین تر قرار دارد؟ (بررسی در دو دوره ۲۰۰۰ و ۲۰۰۹)

✓ آیا کشورهای مسلمان نفتی امید به زندگی بهتری نسبت به کشورهای مسلمان نفتی دارند؟ (بررسی در سه دوره ۱۹۹۱، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۹)

✓ آیا کشورهای مسلمان نفتی در شاخص توسعه انسانی به تفکیک درآمد در سطح بالاتری از کشورهای مسلمان بدون درآمد نفتی قرار دارند؟ (بررسی در سه دوره ۱۹۹۱، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۹)

## الگوهای موثر بر میزان شاخص‌های کیفی توسعه انسانی در کشورهای مسلمان سرمایه انسانی

توسعه انسانی ۲ وجه دارد: از یک سو، بر شکل‌گیری قابلیت‌های انسانی از راه سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی تاکید می‌ورزد و از سوی دیگر شیوه بکارگیری این قابلیت‌های رشد

یافته برای مشارکت در رشد مورد توجه قرار می‌گیرد. به عبارتی، همان سرمایه انسانی و نظام ارزشی است.

از نظر گاه و بر ایجاد قابلیت‌ها<sup>۱</sup> بستگی به شرایط جامعه دارد، که وی آن را ناظر بر فرهنگ بودن تعبیر می‌کند که این عبارت است از "کوشش در فهم و تبیین ارزش‌هایی که آدمیان بدان گرویده‌اند و آثاری که آدمیان پدید آورده‌اند". (آرون) به عبارتی، همان دسترسی به دانش مورد نیاز در جوامع است. البته در کشورهای مسلمان، افراد با توجه به آنچه را ارزش می‌پندارند به سمت دانش و آگاهی حرکت می‌کنند به تعبیری برای خود حکم ارزشی صادر می‌کنند، آنچه که فرد خوب می‌پندارد، خوب است. از نظر اکثر دانشمندان موثرترین طریقه برای برخورد با این مشکلات متنوع اجتماعی، تغییر خصوصیت جریان رشد است تا بدین ترتیب بخش وسیعتری از جمعیت (کشورهای مسلمان) به عنوان سرمایه‌های انسانی بتوانند در آن شرکت کنند و از تحقق آن بهره‌مند شوند.

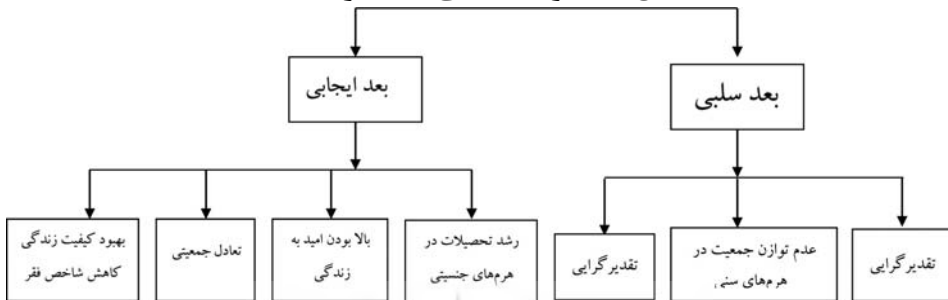
کشورهای مسلمان به خاطر وجود همبستگی مکانیکی، همانندی که افراد در سمت‌ها دارند و فقدان تقسیم کار همراه با بوروکراسی در سطح پایین، نوعی باور عمومی به منصفه ظهور رسیده است به طوری که اکثر مردم کشورهای مسلمان را تابع تقدیرگرایی کرده است. حتی کشورهای مسلمان وابسته به درآمد نفتی با توجه به روابط بالا نتوانسته‌اند تقدیرگرایی، باید و نبایدها و هنجارها را در مرحله‌ی خاص تقلیل دهند. به عبارتی، وجود همین هنجارها به کاهش سطح تحصیلات زنان در بسیاری از کشورهای مسلمان آفریقایی منجر شده است. اگر چه ایران و چند کشور مسلمان چون پایگاه زنان را در سطح تحصیلات و بهداشت ارتقا دهند.

این امر به خاطر گرایش این کشورها به سوی جامعه ارگانیکی، بالا بردن سطح تقسیم کار، تخصصی شدن مشاغل و افزایش تمایز اجتماعی است، البته نمی‌توان از وجود تنگناهای آموزشی در کشورهای اسلامی چشم‌پوشی کرد. کشورهای مسلمان با شاخص‌های سلبی و

<sup>۱</sup> - واژه قابلیت‌ها اشاره دارد به آنچه یک شخص می‌تواند انجام دهد یا هست؛ یا به طور دقیق‌تر به عموم کارکردهایی که یک فرد آزادی‌نیل به آنها را داراست، گفته می‌شود.

ایجابی خاص، روند شاخص‌های کیفی توسعه انسانی را در کشورهای خود دچار نوسان می‌کنند فرایند این ابعاد در هر بخش آثار جالب توجهی بر کیفیت راندمان سرمایه انسانی بجا می‌گذارد.

### ابعاد شاخص‌های توسعه انسانی در کشورهای مسلمان



به عبارتی افزایش بعد سلبی در برخی کشورها روند رشد در بعد انسانی را کاهش می‌دهد و توجه به ابعاد ایجابی شرایط را برای بهبود سرمایه‌های انسانی و با بردن رتبه در سطح جهانی افزایش می‌دهد. بنابراین، توجه به نظام ارزشی اهمیت پیدا می‌کند. از دیدگاه اینگهارت، ارزش‌ها عبارتند از: اهدافی که مردم آنها را برای جامعه، اجتماع، خانواده و خودشان ترجیح می‌دهد. (نوریس، اینگهارت، ۲۰۰۴؛ ۴) که این ارزش‌ها به مجموعه رفتار و کارهای افراد الگو می‌دهد که این همان نظام ارزشی است که افراد جامعه بدان پایبند هستند. بنابراین، این حکمیت ارزش‌ها بدون آگاهی افراد و به نوعی واقعیت اجتماعی است. وجود نظام ارزشی با بعد ایجابی در کشورهای مسلمان با درآمد نفتی و غیرنفتی می‌تواند بصورت افزایش کیفیت در منابع انسانی و انطباق با شرایط به صورت نوسازی<sup>۱</sup>، نمود داشته باشد.

۱- پایه تقسیم بندی ارزش‌ها از دیدگاه اینگهارت مادی و فرامادی است که بسته به شرایط اقتصادی - اجتماعی یکی از آنها اولویت می‌یابد. مثلاً در جوامعی که به خاطر عدم کیفیت عدم زندگی، طبقات ناامن در جامعه وجود دارد به دلیل مشکلات اقتصادی، ارزش‌های مادی اولویت می‌یابند که این امر نوعی نابرابری در عدالت اجتماعی ایجاد می‌کند که به مرور مذهب به عنوان نیروی اطمینان بخش اهمیت پیدا می‌کند. (ر.ک: اینگهارت، ۱۹۹۷)

ورود بسیاری از کشورهای مسلمان بخصوص کشورهای با درآمد نفتی به سوی جامعه صنعتی به نوعی فرایند گذر از جامعه سنتی به مدرن را فراهم ساخت. این فرآیند نوسازی، در بسیاری از کشورها جایگاه ویژه ای پیدا کرده است و معمولاً با گسترش شهرنشینی، تخصصی شدن فرایند شاغل و بالارفتن سطح تحصیلات رسمی همراه است (لرنر، ۱۹۵۸: ۱۵۸)

نوسازی در کشورهای نوعی از سندرم نوسازی را در بر می گیرد که در نظر گرفتن شرایط حاکم بر جهان، عامل مهم دیگری به نام مذهب و آموزه های دینی را در نظر می گیرد. شوارتز ارزش ها را عاملی برای ایجاد نوسازی در کشورهای مسلمان می داند و ادعا دارد که: ارزش ها اهداف فرا موقعیتی هستند که به عنوان چهارچوب و اصول هدایت کنند در زندگی شخص یا گروه های اجتماعی خدمت می کنند (شوارتز، ۲۰۰۱، ۳۵۲)

## مبانی نظری

تاکنون نظریه ها و مدل های گوناگون در زمینه توسعه انسانی کشورها ارائه شده است. که هر کدام از دیدگاه خاص خود به موضوع نگریسته اند و به تبیین شاخص های توسعه انسانی در میان کشورها پرداخته اند. در این پژوهش تئوری اقتضایی<sup>۱</sup> را برای تبیین عوامل رشد کیفی شاخص های توسعه انسانی در کشورهای مسلمان مورد بررسی قرار داده ایم.

تئوری اقتضایی به نوعی یکی از دیدگاه های تاثیرگذار بر نوسازی است. آنچه اهمیت این مبانی را نشان می دهد، توجه به انسان با کنش معنی دار<sup>۲</sup> است. این دیدگاه به نوعی تاکید بر سنت ها عقاید، آداب و رسوم، عادات تاریخی و فرهنگی تلقی می گردد که از نظر وبر دیدگاه سنتی در مجموع سنت های تقدس آمیزی است که باعث رفتار کنشگر می شود، تفسیر می گردد. (وبر، ۱۹۶۱، ۲۹۶) از این دیدگاه سنت همیشه معکوس و ضد توسعه نیست. به

---

1 - Contingency

۲- کنشگر باید از آنچه می دهد درک و فهم داشته به این معنا که افزایش شاخص های کیفی توسعه ی انسانی در کشورهای مسلمان نیاز به شناخت نسبت به موقعیت های برتر دارد.



عبارتی، توجه به نظام ارزشی کشورهای مسلمان در طبقه بندی شاخص‌های توسعه انسانی به نوعی می‌تواند در روند نوسازی، به هدف کلی، بهبود و پیشرفت، کمک تاثیر بسزایی داشته باشد. از سوی دیگر، دیدگاه ساختارمندی بر این فرض مبتنی است که باید در تحولات جامعه به کنشگران و گاهی به ساختارهای اجتماعی اولویت داد. (غفاری. ۱۳۸۷: ۱۸۹) نظریه پرداز اصلی این دیدگاه گیدنز است. وی بر این باور است که در تحلیل مسائل اجتماعی به عاملیت‌ها اهمیت بیشتری داده شود، چرا که وی بر این مطلب تاکید دارد که ساختارها به دست کنشگران انسانی بوجود می‌آید. رویکرد ساختارمندی تلاش می‌کنند تاثیر عاملیت‌ها را در تغییرات در نظر بگیرد. بنابر مطالب مطروحه کشورهای مسلمان نفتی و غیر نفتی با در نظر گرفتن نقش زنان و جوانان به عنوان گروه اصلی جمعیتشان می‌توانند به دسته بندی ساختارهای جامعه دست یابند و روند نوسازی را براساس کشورهای مسلمان پی ریزی نمایند.

## روش تحقیق

در این پژوهش از روش اسنادی - آماری یا به بیان دیگر مطالعات بعد از وقوع<sup>۱</sup> (تحلیل ثانویه) استفاده شده است.

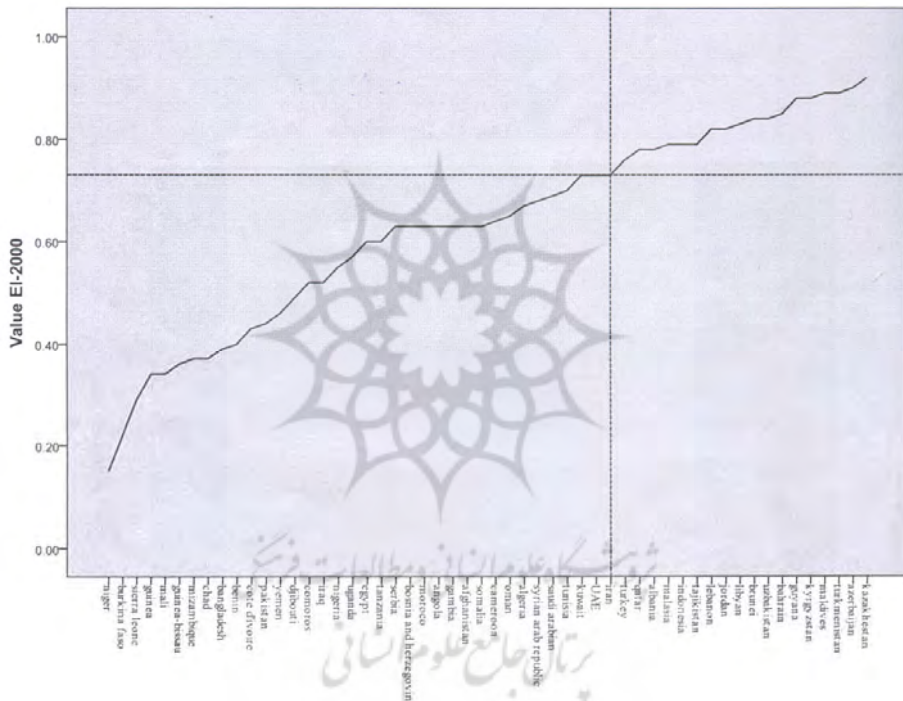
منابع اطلاعاتی از بانک سازمان ملل متحد محدوده زمانی سال‌های ۱۹۹۱ - ۲۰۰۰ و ۲۰۰۹ استخراج شده است. محدوده مکانی مطالعه حاضر یک مطالعه بین کشوری است و جامعه آماری کشورهای مسلمان<sup>۲</sup> با درآمد نفتی و غیر نفتی است. که در کل با محاسبه ایران برای مقایسه ۵۴ کشور مسلمان در نظر گرفته شده است. واحد تحلیل و مشاهده در این پژوهش کشور است.

### 1- expost - Facto

۲- با توجه به اینکه در ملاک‌گزینش کشورها به عنوان مسلمان دریدگاه‌های گوناگون وجود دارد. در این مقاله عضویت در سازمان کنفرانس اسلامی بر این مبنا که هر گاه جمعیت یک کشور بالاتر از ۵۰ درصد باشد آن کشور اسلامی شناخته می‌شود و از دیدگاه دیگر هر گاه شمار مسلمانان یک سرزمین به ۷۵ درصد کل جمعیت برسد آن کشور جزو کشورهای اسلامی محسوب می‌شود. بنابراین کشور می‌باشند که براساس آمارهای شاخص‌های توسعه انسانی ۵۴ کشور در نظر گرفته شده است.

## یافته‌ها

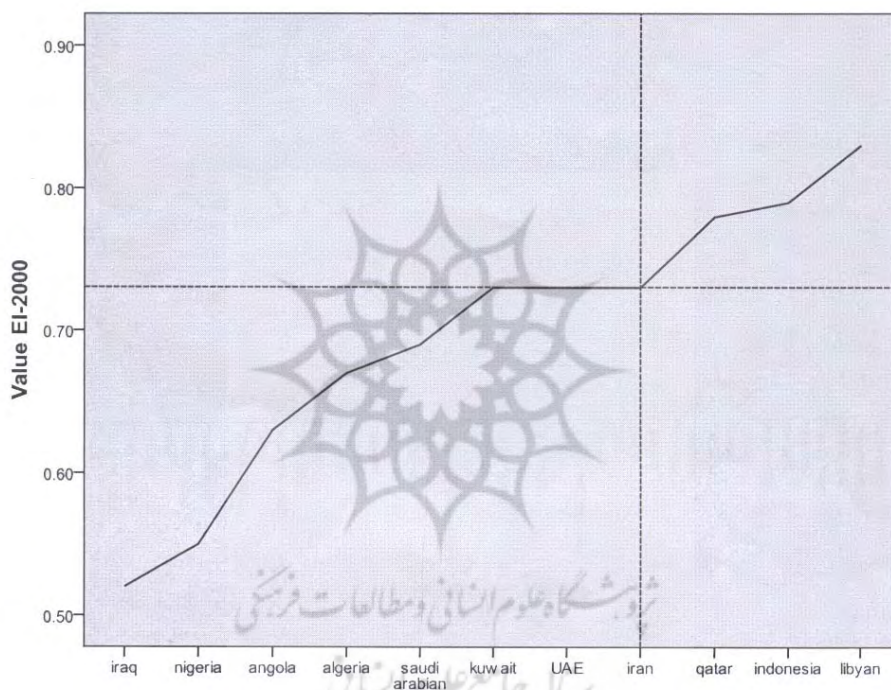
در مطالعه حاضر، جهت بررسی میزان کیفی توسعه انسانی در کشورهای مسلمان با استفاده از روش توصیفی رشد و رابطه میان کشورها برآورد شده است. اولین پاسخ تحت این عنوان تدوین شده است "آیا ایران از نظر شاخص تحصیلات در بین کشورهای مسلمان نفتی و غیر نفتی در مرتبه بالاتری است؟" نمودارهای ذیل در پاسخ به این سوال است. این بررسی در دوره ۲۰۰۰ و ۲۰۰۹ برآورد شده است.



### نمودار (۱) شاخص تحصیلات در بین کشورهای مسلمان در سال ۲۰۰۰

به طوری که در نمودار (۱) مشخص می‌شود که ایران به لحاظ شاخص تحصیلات در بین کشورهای مسلمان در سال ۲۰۰۰ در مجموع از موقعیت بسیار خوبی برخوردار است. هر چند که در بین کشورهای مسلمان بهترین موقعیت نیست. شاخص بالاتر از ۰/۷ نشان دهنده این امر است که در حدود دو سوم از کشورهای مسلمان در موقعیتی پایین‌تر از ایران به لحاظ

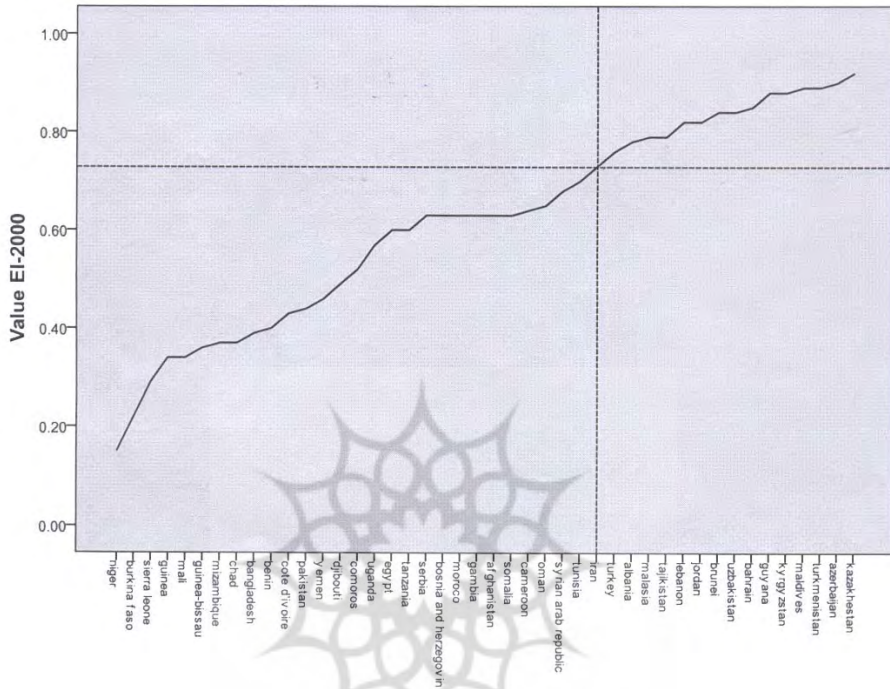
تحصیلات قرار داشته‌اند و تنها حدود یک سوم موقعیتی بهتر از ایران را به خود اختصاص داده‌اند. شیب اندک برای کشورهایی که در موقعیتی بهتر از ایران هستند<sup>۱</sup> نیز نشان می‌دهد که ایران فاصله اندکی با این کشورها دارد و نمی‌توان بالا بودن رتبه کشورهایی چون (ترکیه، آلبانی، جردن، مالدیو، قزاقستان) را بسیار بهتر از ایران دانست.



### نمودار (۲) شاخص تحصیلات در بین کشورهای مسلمان نفتی در سال ۲۰۰۰

نمودار (۲) به بررسی میزان تحصیلات در بین کشورهای مسلمان نفتی می‌پردازد شرایط ایران بین این کشورها با نرخ ۰/۷ است که کشورهایی چون (امارات عربی، کویت) در سطحی برابر با ایران قرار دارند. اگر میزان جمعیت با میزان فروش نفت در این کشورها را با هم مقایسه

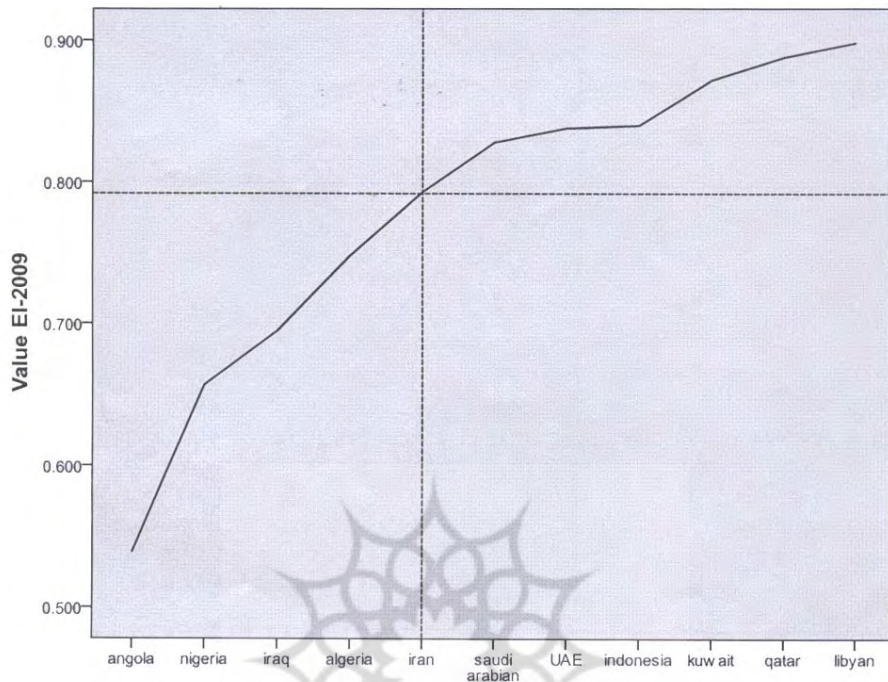
کنیم همان گونه که ملاحظه می شود می تواند روند رشد ایران را بالاتر از کویت و امارات عربی در نظر گرفت در این سالها فاصله ایران با لیبی یان بالاتر از ۰/۱ است.



### نمودار (۳) شاخص رشد کشورهای مسلمان غیر نفتی در سال (۲۰۰۰)

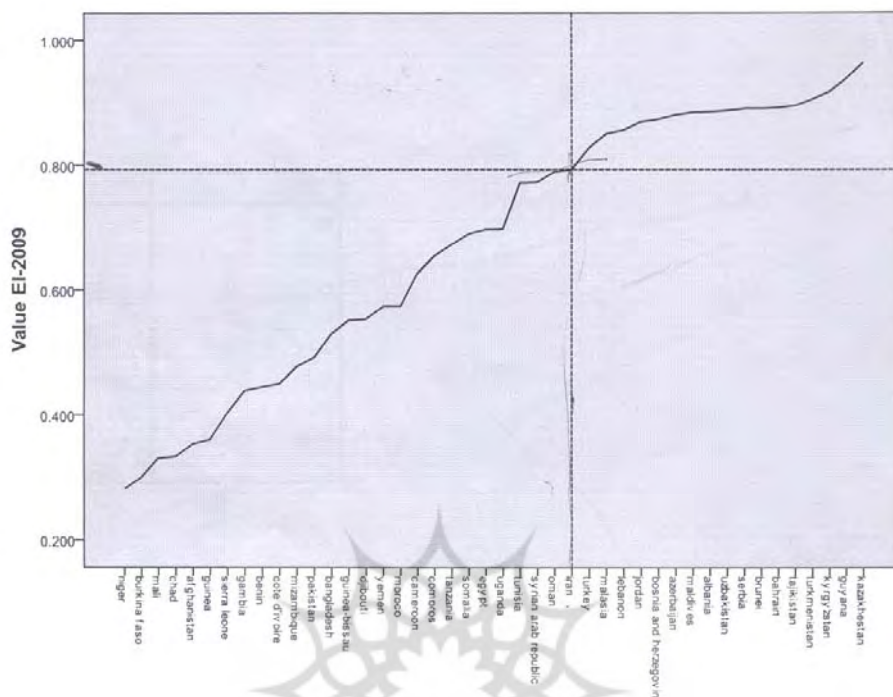
در نمودار (۳) در سال (۲۰۰۰) کشور قزاقستان همچنان در صدر کشورهای مسلمان غیر نفتی است و ایران تغییری در جایگاه خود نداشته است. با این تفاوت که در بین کشورهای مسلمان غیر نفتی مرتبه ایران از تونس و سریان بالاتر کشورهای ترکیه و آلبانی که صنعت توریسم قوی تری دارند پایین تر است. بنابراین، نفتی بودن کشورها نرخ سرمایه گذاری آموزشی را افزایش نمی دهد، بلکه رسیدن به سطح قابل قبولی از توسعه توانمندی های مردم این نرخ را افزایش می دهد.





### نمودار (۵) موقعیت ایران در سال ۲۰۰۹ را در بین کشورهای نفتی

در بررسی نمودار فوق با توجه به اینکه این به یک شاخص ۰/۸ درصدی دست یافته است، اما نسبت به سال ۲۰۰۰ در بین کشورهای وابسته به درآمد نفتی مرتبه پایین تری کسب نموده است به طوری که یک سوم کشورها مرتبه پایین تری از ایران دارند و به نسبت دو سوم دیگر کشورها مرتبه صعودی نسبت به ایران کسب کرده اند به طوری که امارات، عربستان صعودی و کویت شاخص بالاتری نسبت به ایران بدست آورده اند. در میان این کشورها لیبی یان توجه به شاخص ۰/۸ سال ۲۰۰۰ به یک شاخص ۰/۹ در سال ۲۰۰۹ دست یافته است.



### نمودار (۶) موقعیت ایران در سال ۲۰۰۹ را در بین کشورهای مسلمان نفتی

نمودار فوق موقعیت ایران تنها در بین کشورها، مسلمان بودن درآمد نفتی است که نسبت به سال ۲۰۰۰ چند دهم حالت صعودی داشته است و به مرز شاخص ۰/۸ رسیده است ترکیه در بین کشورهای مسلمان غیر نفتی همچنان با یک پایه صعود از ایران در مرحله بالاتری قرار دارد، اما تفاوت قابل توجهی میان این ۲ کشور وجود ندارد. اما قزاقستان در سال ۲۰۰۹ در بین کشورها مسلمان غیر نفتی همچنان با شاخص ۰/۹ در صد قرار دارد.

جمع‌بندی کمی که رابطه با الگوهای ارائه شده برای بررسی وضعیت تحصيلات ایران می‌توان ارائه داد این است که شرایط جمعیتی کشورها و نوع میزان فروش نفت در کشورها وابسته درآمد نفتی (کویت، عربستان سعودی) و افزایش توجه به صنعت توریسم و صنایع دستی در برخی کشورهای مسلمان غیر نفتی چون (ترکیه، مالزی) توانسته درجه استفاده از ظرفیت‌ها را تغییر دهد. از سوی دیگر، ایران با توجه به در نظر گرفتن عاملیت‌ها " جایگاه

مناسب خود را در کنش عاملان اجتماعی پیدا کرده است و توانسته وضعیت انسانی و اجتماعی پیدا کند" (زتومکا، ۱۹۹۹، ۱۹۲۰) به عبارت دیگر، توجه به توانمندی عاملیت‌ها (مردان و بخصوص زنان) می‌تواند تحول‌گرایی و توسعه انسانی در کشورهای مسلمان را افزایش دهد و به عبارت دیگر "بازگشت به کشنگر فردی است و باید این ایده که انسان تاریخ خود را می‌سازد، مورد تاکید قرار دهیم" (غفاری، ۱۳۸۷، ۱۸۷).

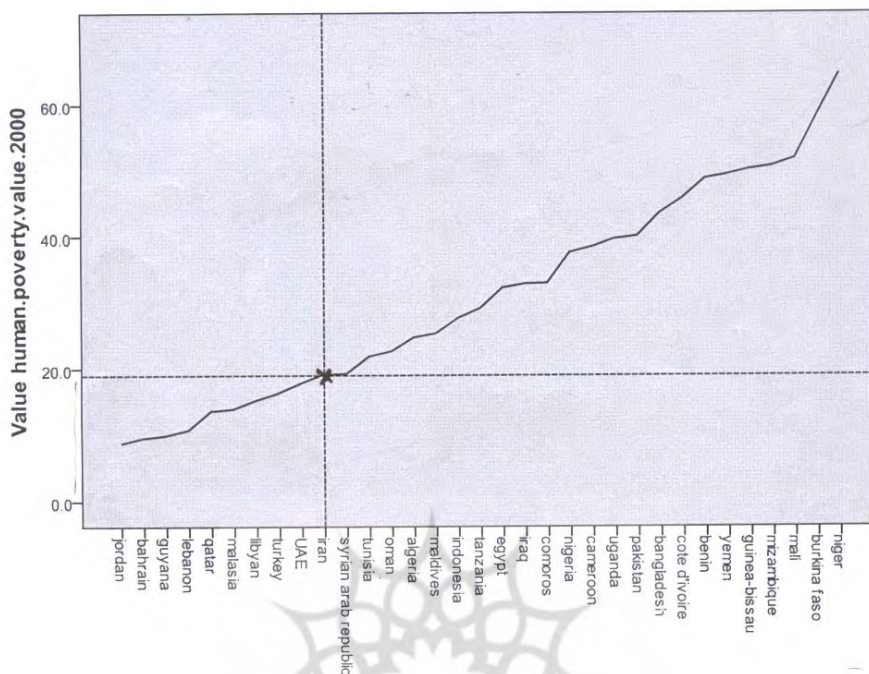
بدین ترتیب در یک دسته بندی کلی شاخص کشورهای مسلمان نفتی و غیر نفتی و ایران در تحصیلات این گونه است.

#### نمودار (۲-۱) بررسی شاخص ایران و کشورهای مسلمان نفتی و غیر نفتی

٪۶۱	(۲۰۰۰)	کشورهای مسلمان غیرنفتی
٪۶۷	(۲۰۰۹)	
٪۷۰	(۲۰۰۰)	کشورهای مسلمان نفتی
٪۷۸	(۲۰۰۹)	
٪۷۳	(۲۰۰۰)	ایران
٪۲۹	(۲۰۰۹)	

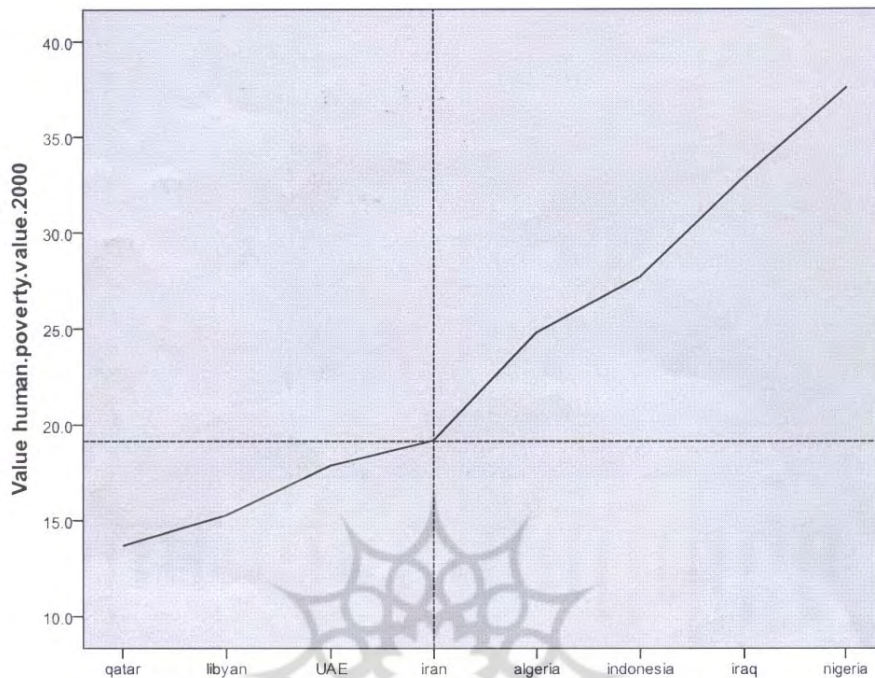
کشورهای مسلمان نفتی همچنان شاخص بالاتری نسبت به غیر نفتی داشته‌اند و ایران در جمع بندی کلی شاخص‌های بسیار خوبی کسب کرده است. پاسخ به این سوال که "آیا ایران از نظر شاخص نفر در بین کشورهای مسلمان نفتی و غیر نفتی در مرتبه پایین تری قرار دارد؟" در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۹ قابل بررسی بوده است. با توجه به اینکه که فقر یک مفهوم نسبی است. اما در تعیین شاخص فقر "میزان درآمد لازم برای خرید مواد غذایی لازم به منظور برآوردن متوسط نیازهای تغذیه‌ای هر فرد بزرگسال و خردسال در هر خانواده است (ازکیا، ۱۳۸۷: ۶۴).





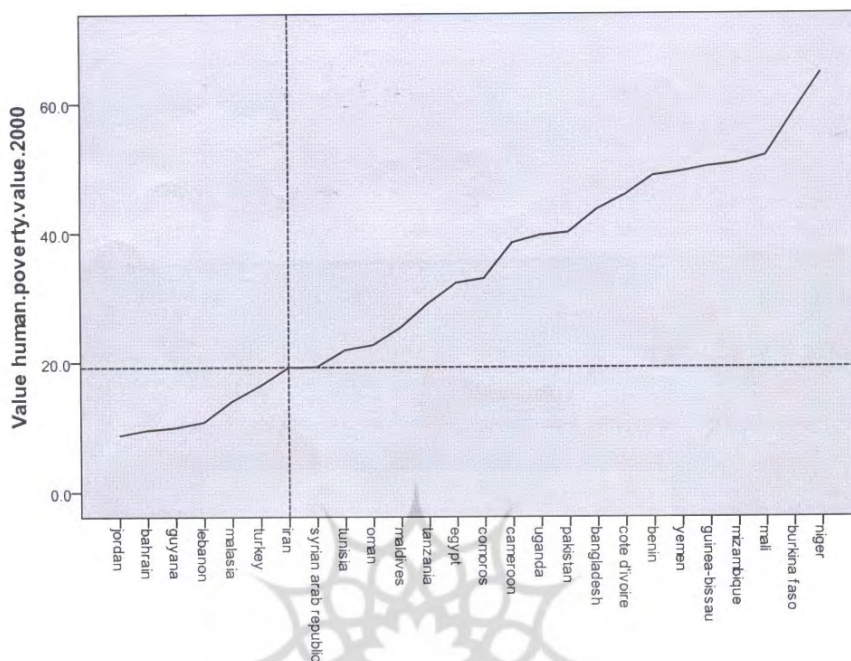
### نمودار (۷) شاخص رشد فقر کشورهای مسلمان در سال ۲۰۰۰

در نمودار (۷) ایران در بین کشورهای مسلمان در سال ۲۰۰۰ در مرتبه ۱۱ قرار دارد و با شاخص ۰/۲ می‌توان گفت هم‌تراز از کشورهایی چون سریان و تونس است. از سوی دیگر، پایین‌ترین شاخص از آن کشور جردن با شاخص ۰/۱ است که نسبت به پایین‌ترین رقم، ایران در رشد فقر فاصله کمتری با شاخص اصلی از دارد. از سوی دیگر، این نرخ با بالاترین شاخص که از آن کشور نیجر با شاخص ۰/۶ است می‌توان گفت نسبت قابل قبول است.



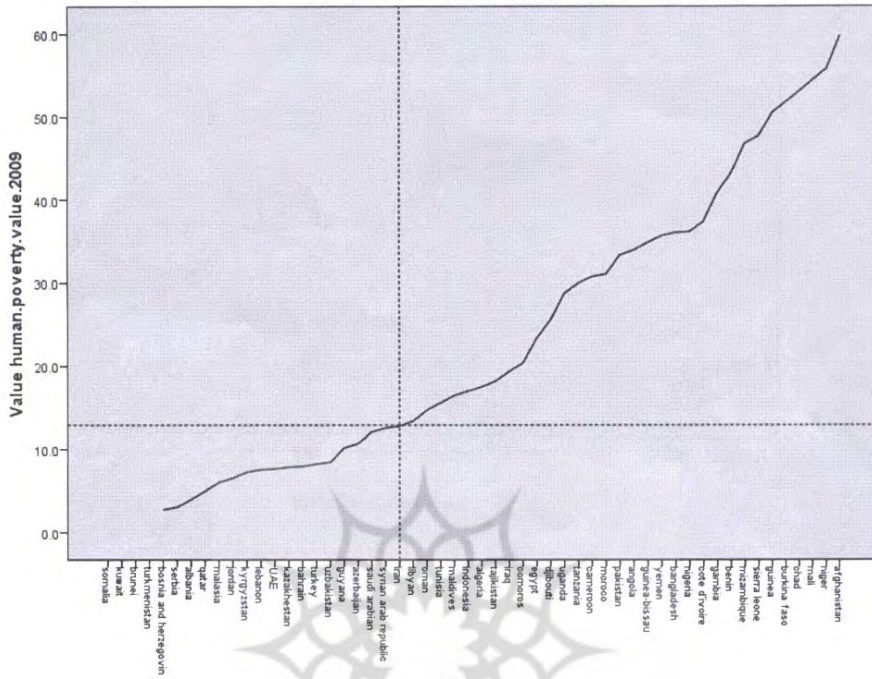
### نمودار (۸) ارتباط بین شاخص فقر و رشد توسعه کیفی کشورهای مسلمان با درآمد نفتی

در نمودار (۸) ارتباط بین شاخص فقر و رشد توسعه کیفی کشورهای مسلمان با درآمد نفتی تصویر شده است. که ایران با شاخص کمتر از ۰/۲ مرتبه بهتری از کشورهای الجزایر، اندونزی، عراق و نیجریه دارد. از سوی دیگر، شاخص ۰/۱۵ قطر نشان دهند کاهش شاخص فقر در این کشور است. بدین ترتیب، شرایط فروش نفتی، میزان جمعیت که از مزیت‌های خاص این کشورها است را نمی‌توان مد نظر قرار نگرفت.



### نمودار (۹) ارتباط بین شاخص فقر و رشد توسعه کیفی کشورهای مسلمان با درآمد غیر نفتی

در نمودار (۹) ایران همچنان شرایط مطلوبی را نسبت به کشورهای مسلمان غیر نفتی در بر دارد و بین کشورها با مرتبه ۷ و شاخص ۰.۲ قرار گرفته است که در اینجا چون شاخص تحصیلات با ترکیه و مالزی رابطه‌ای تنگاتنگ دارد و با ایران، سریان و تونس در شاخص برابری می‌کنند.

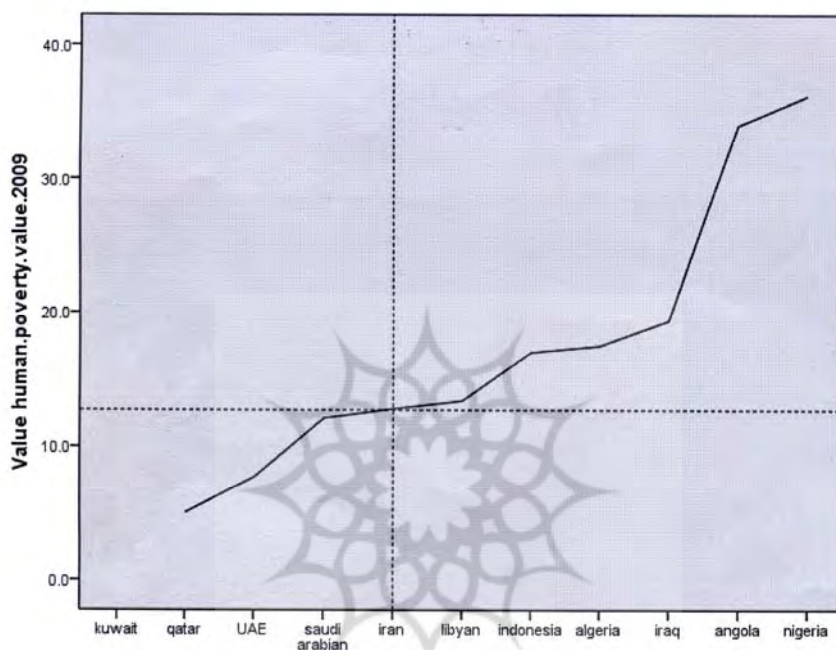


### نمودار (۱۰) شاخص فقر در سال ۲۰۰۹

در نمودار فوق شاخص فقر در سال ۲۰۰۹ با توجه به وارد شدن بسیاری از کشورها به آمار سازمان ملل متحد به عنوان کشورهای مسلمان به نسبت سهم ایران در شاخص فقر کاهش پیدا کرده است و در مرتبه ۲۱ قرار گرفته با توجه به این امر که با کاهش شاخص فقر رو به رو بوده ایم به طوریکه ایران نه نرخ ۱/۰ نزدیک شده است و با کشورهای یان که جزو کشورهای مرتبه اول در شاخص تحصیلات بین کشورهای نفتی و غیر نفتی است برابری می کند و کشورهایی چون نیجر، مالی و افغانستان با دارا بودن شاخص ۶٪ فقر در بدترین شرایط نسبت به کشورهای دیگر قرار گرفته اند.

بنابراین، می توان گفت افراد، خانواده ها گروه های جمعیتی (در این کشورها) از فقر به سر می برند که فاقد درآمدی برای به دست آوردن غذا، شرکت در فعالیت ها، داشتن امکانات

زندگی و وسایل تفریحی مرسوم در جامعه خود باشند، منابع آنها بیش از حد کم است در نتیجه " افراد خانواده‌ها از الگو، رسوم و فعالیت‌های زندگی معمولی محروم شده‌اند." (برنشتاین، ۱۹۹۲: ۵۲)



### نمودار (۱۱) نوعی تفاضل خطی میان کشورهای مسلمان نفتی در سال (۲۰۰۹)

در این شرایط ایران با شاخص ۱/۵ توانسته همچنان از مرتبه بهتری در بین کشورهای نفتی برخوردار باشد. کشور نیجریه با دارا بودن شاخص فقر ۰/۴ بدترین وضعیت را نسبت به کشورهای مسلمان نفتی دارد و قطر با شاخص ۰/۱۵ بهترین وضعیت را داراست. نمودار (۱۱) این نکته را به تصویر می‌کشد که ایران توانسته بین تولید سرانه و شاخص فقر (کیفیت زندگی) خود ارتباط معناداری را ایجاد کند. همانگونه که ملاحظه می‌شود. روند کاهش شاخص فقر ایران در بین کشورهای مسلمان غیر نفتی شتاب قابل توجهی داشته است و

با شاخص نزدیک به ۱٪ با کشورهای سریان و آذربایجان در یک مرحله است و با توجه به شیب اندک برای کشورهای چون (بوسنی و هرزگوین، سریان، آلبانی، جردن، قزاقستان، قزاقستان) که در موقعیت بهتر از ایران هستند<sup>۱</sup> نشان دهنده این امر است که ایران فاصله اندکی برای کاهش شاخص فقر با این کشورها دارد و نمی‌توان وضعیت این کشورها را بهتر از ایران دانست. مقایسه کشورهای نفتی و غیر نفتی در جدول (۱-۳) به تصویر کشیده شده است.

**جدول (۱-۳) مقایسه میانگین کشورهای نفتی و غیر نفتی**

نوع	دوره	میانگین
کشورهای مسلمان غیر نفتی	(۲۰۰۰)	٪۳۳
	(۲۰۰۹)	٪۲۶
کشورهای مسلمان نفتی	(۲۰۰۰)	٪۲۳/۶
	(۲۰۰۹)	٪۱۷
ایران	(۲۰۰۰)	٪۱۹
	(۲۰۰۹)	٪۱۲/۸

با توجه به جدول (۱-۳) کشورهای مسلمان نفتی و غیر نفتی رشد صعودی زیادی در سال ۲۰۰۹ داشته‌اند و ایران نیز توانسته در سال ۲۰۰۹ نسبت به شرایط میانگین ۰/۱۲ نسبت به ۰/۱۹ سال ۲۰۰۰ دست پیدا کند. مباحث فوق بیانگر این نکته اساسی است که توانمندی برای برقراری کیفیت زندگی مطلوب و کاهش شاخص فقر به عنوان یک عامل اصلی و تولید در رشد اقتصادی مطرح است.

پاسخ به این سؤال که "آیا کشورهای مسلمان نفتی شاخص امید به زندگی بهتری نسبت به کشورهای مسلمان نفتی دارند؟ در سه دوره ۱۹۹۱، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۹ به تصویر کشیده شده است.

**جدول (۴-۱) مقایسه شاخص امید به زندگی بین کشورهای نفتی و غیر در سه دوره**

نوع	دوره	میانگین
کشورهای مسلمان غیر نفتی	(۲۰۰۰)	٪۶۴
	(۲۰۰۹)	٪۵۹
کشورهای مسلمان نفتی	(۲۰۰۰)	٪۶۳
	(۲۰۰۹)	٪۴۳
	(۲۰۰۰)	٪۷۱
	(۲۰۰۹)	٪۷۴

شاخص امید به زندگی به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه انسانی (طول عمر) محسوب می‌شود. این روند در سال‌های ۱۹۹۱ در کشورهای نفتی و غیر نفتی به ترتیب ۰/۶۴ و ۰/۴۳ را داراست، اما در سال ۲۰۰۰ کشورهای غیر نفتی بر کشورهای نفتی پیشی گرفته است و این شاخص را به ۰/۷۱ در برابر ۰/۵۹ رسانده‌اند که این امر به نوعی وابسته به نوع کیفیت زندگی افراد و میزان تحصیلات است و همان گونه که مشاهده می‌شود، تفاوت امید به زندگی در سال ۲۰۰۹ وند رو به رشدی را به خصوص در کشورهای مسلمان غیر نفتی با ۰/۷۴ در برابر ۰/۶۳ است که این امر در رد سوال پژوهش است، چرا که بر خلاف آنچه مورد نظر است کشورهای نفتی نتوانسته‌اند در این شاخص توسعه انسانی شرایط بهتری را نسبت به کشورهای مسلمان غیر نفتی کسب نمایند.

**نتیجه‌گیری**

در مطالعه حاضر، جهت بررسی کیفی شاخص‌های توسعه انسانی در بین کشورهای مسلمان عضو کنفرانس اسلامی و کشورهای مسلمان عضو اپک با مقایسه نمره عاملی استاندارد و نمودارهای توصیفی برآورد شده است. براساس آزمون‌های فوق می‌توان جایگاه ایران را در بین کشورهای مسلمان نفتی و غیرنفتی مطلوب توصیف کرد. بدین ترتیب که شرایط شاخص

فقر ایران نسبت به ۲ شاخص دیگر امید به زندگی و تحصیلات در شرایط مطلوبتری قرار گرفته است. همچنین نتایج در کل نشان دهنده این موضوع است که کشورهای مسلمان نفتی زمانی که نتوانند بین ارزش‌های سنتی (تقدیرگرایی و جبرگرایی) و ارزش‌های مدرن (نیاز به گسترش تکنولوژی و افزایش سرمایه انسانی) هماهنگی ایجاد کنند نوعی عدم ثبات در رسیدن به خواسته‌هایشان ایجاد می‌شود. با این حال شاهد هستیم که تحقق توسعه کماکان برای بسیاری از جوامع در حال توسعه به عنوان یک آرمان پی‌جویی می‌شود و کشورها هنوز خواهان توسعه‌اند.

می‌توان گفت این ناهماهنگی به خاطر دوگانگی در نظام سنتی و مدرن و انحراف ایجاد شده در بخش سرمایه انسانی همواره تشدید شده است. ایران در سه دوره ۱۹۹۱-۲۰۰۰ و ۲۰۰۹ در شاخص‌های تحصیلات، شاخص فقر و امید به زندگی توانسته نوعی هماهنگی در این دو نظام را با ورود زنان به بخش اجتماعی و افزایش تحصیلات در این بعد و افزایش عدالت اجتماعی در بین فقر و غنی جامعه ایجاد کند. و در بین کشورهای نفتی و غیرنفتی با شاخص‌های ۰/۷۳ (در سال ۲۰۰۰) و ۰/۷۹ (در سال ۲۰۰۹) در بعد تحصیلات و ۰/۱۹ (در سال ۲۰۰۰) و ۱/۲ (در سال ۲۰۰۹) در بعد شاخص فقر این شایستگی را به خوبی احراز کرده است.

در چهارچوب موضوع تحقیق، پیشنهادات مطالعه حاضر جهت تسریع رشد کیفی کشورهای مسلمان نفتی و غیر نفتی عضو سازمان کنفرانس اسلامی و اپیک عبارتند از:

- ۱- با توجه به اهمیت توسعه انسانی در کشورهای مسلمان، توصیه می‌شود که دولت‌های اسلامی شرایط گسترش سطح سواد و افزایش رشد آموزشی را در افراد جامعه به عنوان عاملیت‌ها تقویت نمایند. و ثالثاً برای ایجاد هماهنگی بین نیروهای تولید و نیاز به این نیروها در جامعه تلاش کنند.



- ۲- توسعه می‌شود بخش توسعه اجتماعی را در زمینه تغذیه، فقرزدایی، بهداشت و چگونگی اوقات فراغت، برای افزایش کیفیت زندگی و کاهش شاخص فقر به علت طرح‌های سرمایه‌گذاری مولد بخش خصوص سوق دهند.
- ۳- توصیه می‌شود کشورهای اسلامی به خصوص وابسته به درآمد نفتی در تلاش برای راه‌های افزایش درآمد سرانه بخصوص در بخش توریسم و صنایع دستی باشند.

### منابع

۱. آرون ریمون، (۱۳۸۴). **مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی**، ترجمه باقرپرهام، انتشارات علمی و فرهنگی کتیبه، چاپ هفتم: تهران. ۵۷۳
۲. خلیلی، تیرتاشی، نظر...، (۱۳۸۰). **توسعه انسانی از دیدگاه اسلام**، ویژه‌نامه حقوق (معرفت) مجموعه علمی تخصصی در زمینه علوم انسانی، سال دهم، شماره دهم، دی ۱۰۷
۳. گرینین کیث و دیگران، (۱۳۷۵). **تحقق استراتژی توسعه انسانی**، ترجمه خواجه پور، غلامرضا، انتشارات موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی، تهران، ص ۱۲۰
4. Inglehart, R. (1997), monetization and post modernization. Cultural, Economic and Political change in 43 societies , Princeton university press.
5. Inglehart, R. and Norrisp. (2003), *Rising Tide: Gender Equality and cultural change around the world* , Cambridge: cambridge university press.
6. Lerner , D (1958), *the passing of the Traditional society , modernizing the middleEast* , New yourk: Free press.
7. Schwartz , s.Bardi , A. (2001),: *Value Hieravehies Across cultures. Taking a similarities perspective* , yournal of cross cultural psychology.
8. Weber, (1961), "world – Economy and the Distinction of Income within states: Across – National study " *American sociological Review*.



شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتمال جامع علوم انسانی